

در ایسن گزارش، پای صحبت های مدیر این پروژه، علی مینایی فرد، هنرمند گرافیست و مبدع سبک اجرایی این طرح نشسته ایم تا ابعاد ناگفته این «رقص قلم بر دیوار های سوخته» را بررسی کنیم.

عبور از انفعال و بازخوانی الگوی جنگ

مبدع طرح «آواز ققنوس»، نقطه آغازین این ایده را واکنشی به مشاهده حجم تخریب ها و توهین های وارد شده به مساجد می داند. او معتقد است جامعه نباید در برابر این حوادث رویکردی منفعلانه اتخاذ کند. وی با اشاره به تجربه زیسته مردم ایران در سال های دفاع مقدس، بر این باور است که می توان از دل سخت ترین حوادث، زاینده ترین اتفاقات را رقم زد. وی در تشریح مبانی نظری این طرح می گوید: «این طرح با الهام از آسیب هایی که اخیراً به مساجد وارد شد شکل گرفت. ما نمی خواستیم فقط بنشینیم و نگاه کنیم یا صرفاً غصه بخوریم. هدف ما تغییر رویکرد منفعلانه نسبت به این آسیب ها و ایجاد یک رویکرد نو بود؛ دقیقاً مشابه آنچه در سختی ها و خسارات دوران انقلاب و جنگ رخ داد. در آن دوران هم ما از دل خرابی ها، امید می ساختیم. ایده اصلی ما این بود که بیابیم و از مصالح و متریال موجود در همان محل آسیب دیده، به ویژه از همان خاکستری که ناشی از آتش سوزی هاست، برای انتقال پیام امیدواری و بازسازی استفاده کنیم.»

انتخاب نام «آواز ققنوس» برای این پروژه نیز تصادفی نبوده است. مینایی فرد در توضیح این نام گذاری نمادین می افزاید: «نام طرح را آواز ققنوس گذاشتیم چون پیامی کاملاً نمادین دارد. ققنوس پرنده ای است که از دل خاکستر و آتش برمی خیزد و این نشان دهنده رشد، تولد دوباره و جاودانگی پس از نابودی است. ما می خواستیم بگوییم از همین خاکستری که از سوختن مساجد ایجاد شده، قرار است ققنوس هایی دوباره شکل بگیرند و پیامی جهان شمول را به گوش همه برسانند. این پیام، پیام تمام شدن نیست، بلکه پیام آغاز دوباره است.»

گزارش «فرهیختگان» از مسجد تخریب شده امام حسین (ع) کرج و بازخوانی پرونده خدمات اجتماعی آن؛ از آزادی زندانیان تا تأمین داروی بیماران سرطانی

آتش بر جان امرای اجتماعی

روایتی از شب تلخ مسجد باغستان و امیدهایی که نمی سوزند

و فاطمی می داد، یکی پس از دیگری طعمه حریق شد. حجت الاسلام همدانی با صدایی که هنوز ردپای غم در آن پیداست، می گوید: «آن ها مثل یک گروه تئاتر عمل کردند. حتی بعد از اینکه داخل شیستان کوکتل مولوتوف انداختند، نرفتند. ایستادند و کشیک دادند تا مطمئن شوند آتش به جان مسجد افتاده و کسی جرئت نزدیک شدن برای خاموش کردنش را ندارد.» ایستگاه آتش نشانی محله آن شب مورد حمله قرار گرفته بود و این مسئله کمک رسانی به مسجد را سخت می کرد. وقتی ساعت حوالی ۲۱ بامداد شعله ها فروکش کرد، از آن مسجد ۲۵۰ متری، جز تلی از خاکستر و سازه ای که اسکلتنش از حرارت تاب برداشته بود، چیزی نمانده بود.

مسجدی که «رفیق» بود

اما چرا سوختن مسجد امام حسین (ع)، فراتر از بی حرمتی دل یک محله را به درد آورد؟ پاسخ را نباید در خشت و گل جستجو کرد، بلکه در «روح» حاکم بر این مسجد باید یافت. حجت الاسلام همدانی طی هشت سال امامت خود، قاعده نانوشته ای را تغییر داده بود. او نمی خواست «رئیس» مسجد باشد، می خواست «رفیق» مردم باشد. او می گوید: «رابطه ما رابطه امام جماعت و مأموم نبود. رفیق بودیم. اگر کسی مریض می شد، همه با هم به عیادت می رفتیم. اگر کسی گرفتاری مالی داشت، لازم نبود فرم پر کند و بوروکراسی اداری گیر کند. می آمد و مثل یک برادر مشکش را می گفت.» این رویکرد، مسجد را به اتاق اورژانس اجتماعی محله تبدیل کرده بود. پرونده های حمایتی این مسجد، پر از قصه هایی است که قلب هر انسانی را می لرزاند. قصه زنی که خودش با سرطان دست و پنجه نرم می کرد و سه فرزند بیمار داشت. امام جماعت تعریف می کند: «این خانم گاهی رنگ می زد و می گفت حاج آقا آدم دارو خانه، پولم نمی رسد. من همان لحظه توی مسجد بلند می شدم و به شوخی به پیچه ها می گفتم: آقا کی می خواد پول زور بده؟ بسم الله و همان جاپول دارو جمع می شد.» یا روایت تلخ خانواده ای که مشکل ژنتیکی داشتند؛ چهار فرزند که به محض رسیدن به ۱۸ سالگی، شنوایی و گفتارشان را از دست می دادند. مسجد برای این خانواده ها فقط محل نماز نبود؛ تنها کجگاهشان بود. همین چند روز پیش از آتش سوزی، وقتی صاحبخانه یکی از نیازمندان تهدید به تخلیه کرده بود، تلفن های امام جماعت به کار افتاد و در چند ساعت، ۱ میلیون تومان اجاره بها تأمین شد تا آبروی یک مومن حفظ شود.

زنان؛ میدان داران امور فرهنگی مسجد

در این مسجد کوچک، زنان نقش هم تراز با مردان و گاهی جلوتر ایفا می کردند.

خانم لشکری، مسئول بخش خواران، از روز هایی می گوید که فضای ۲۵۰ متری مسجد لحظه ای خالی نمی ماند. «شاید باور نکنید، اما ما در همین فضای محدود همه کار می کردیم. کلاس های قرآن و نهج البلاغه یک طرف، کلاس های مهارتی مثل خیاطی و گل دوزی و چر که برای پیچه ها طرف دیگر.» اما ششاهکار بخش خواران، در تأمین هزینه یه بود. آن ها منتظر نمی ماندند تا دختری به خاطر فقر، از ازدواج باز بماند. خانم لشکری تعریف می کند: «مادری آمد و گفت دخترم دوه سال است عقد کرده، اما توان خرید جهیزیه نداریم. ما نمی توانستیم سرویس کامل بدهیم، اما اقلام اساسی مثل یخچال، فرش و گاز را تهیه می کردیم تا زندگی پایگیرد.» نکته ظریف و انسانی ماجرا، حساسیت عجیب متولیان مسجد روی «آبرو» بود. امام جماعت با قاطعیت جلوی کاروان های تبلیغاتی جهیزیه را گرفته بود. او می گوید: «یکبار دیدم روی وانت جهیزیه برن زده اند. گفتم اگر می خواهید من رضای بشم، این برن ها را بکنید. قرار نیست همسایه ها بفهمند این دختر جهیزیه یاش را از مسجد گرفته. آبروی مومن از کعبه بالاتر است.» بخش خواران حتی به سلامت جسمی اهالی هم فکر می کرد. دعوت از پزشکان برای تست قند و فشارخون و برگزاری جلسات پیشگیری از سرطان، مسجد را به یک پایگاه سلامت تبدیل کرده بود.

آزادی؛ هدیه ای از محراب

یکی از درخشان ترین خدمات مسجد امام حسین (ع)، ماجرای آزادسازی زندانیان است. جریانی که چندسال پیش با پیشنهاد یکی از نمازگزاران به نام «حاج نصرالله» شروع شد و یک سنت سالانه تبدیل گردید.

حجت الاسلام همدانی با شوق خاصی از این طرح یاد می کند: «مادر ماه مبارک رمضان اعلام می کردیم می خواهیم زندانی آزاد کنیم. مردم با چنان شوری می آمدند که حیرت انگیز بود. یکی ۵۰ میلیون می داد، دیگری تمه حسابش را. سال گذشته ۱۱ زندانی و اسامال ۶ زندانی جرّام غیر عمد، درست سر سفره افطار، برگ آزادی شان اعضا شد.» مسجد باغستان حتی پس از آزادی هم زندانیان را نمی کرد، اما با حفظ شدیدترین تدابیر برای حفظ کرامت آن ها. آخرین نباید با زندانیان روبه رو می شدند تا مبادا نگاه سنگینی، شیرینی آزادی را به کاشمان تلخ کند. «کار را باید بالاسری ببیند؛ این شعار پیچه های مسجد بود.

ققنوس برمی خیزد

فردای روز حادثه، وقتی دوسیده هنوز از پنجره ها بیرون می زد، گمان می رفت که

گزارش «فرهیختگان» از مسجد تخریب شده امام حسین (ع) کرج و بازخوانی پرونده خدمات اجتماعی آن؛ از آزادی زندانیان تا تأمین داروی بیماران سرطانی

آتش بر جان امرای اجتماعی

روایتی از شب تلخ مسجد باغستان و امیدهایی که نمی سوزند

چراغ مسجد خاموش شده است. اما حضور آیت الله حسینی همدانی، امام جمعه کرج و تجمع مردم، ورق را برگرداند. عملیات بازسازی نه یک ماه بعد، بلکه دقیقاً از ساعت ۷ صبح دوشنبه آغاز شد. حالا صدای چکش و دریل جایگزین صدای سسوختن چوب ها شده است. دیوار های دوده گرفته در حال تخریبند تا دیوار های محکم تری جایشان را بگیرد. آتش شاید توانست فرش و کتاب و منبر را بسوزاند، اما توانست پیوند عاطفی مردم محله با این پناهگاه را قطع کند. همان طور که خانم لشکری می گوید: «مسجد سنگر الهی و محل آرامش مردم بود؛ باز هم می شود.» و حجت الاسلام همدانی که حالا به جای محراب، در میان خاک و گچ بازسازی ایستاده، با اطمینان می گوید: «آن ها فکر کردند با آتش زدن می توانند نور مسجد را خاموش کنند، اما این خاکستر ها، بستر رویش دوباره است.» مسجد امام حسین (ع) باغستان، امروز شاید سقفی سیاه و دیواری ریخته داشته باشد، اما ستون هایش که بر شانه های مردم نیکوکار و دغدغه مند استوار است، محکم تر از همیشه پایرجاست. ققنوس مهربانی از میان همین خاکسترها دوباره بر می کشد و آواز امید را در گوش زندانیان، بیماران و نیازمندان شهر زمزمه خواهد کرد.



بیایند و اعلام حمایت کنند یا بودجه ای بدهند. خودمان کار را شروع کردیم. پیچه هایی که آمدند پای کار، الان دارند با هزینه شخصی کار را انجام می دهند. من دادم دیگر اینم که بتوانم ارگان ها را قانع کنم که پای کار بیایند. متأسفانه خیلی ها دنبال کارهای روتین هستند یا اینکه فقط کاری انجام شود و تمام، اما ما دنبال کار ماندگار هستیم. کاری که نگاه نویی داشته باشد.» او همچنین به چالش های میدانی اشاره می کند: «گاهی اطلاعاتی که به ما می دهند غلط است یا وقتی می رسم می بینیم کارگرا هم مشغول کارند و نمی شود اجرا کرد و آثار به جا مانده از تخریب را منتقل کرده اند، اما مهم این است که قبل از اینکه آخرین لایه های رنگ سفید روی این سیاهی های معنادار را ببوشاند، ما اثرمان را ثبت کنیم.»

پسروژه «آواز ققنوس» بیش از آنکه یک پروژه گرافیکی باشد، یک پروژه حافظه نگاری است. تلاشی است که در آن، غبار فراموشی از چهره حقیقت پاک می شود و مبدعان این طرح می کوشند تا پیش از خشک شدن سیمان های جدید، جایی برای تنفس تاریخ بر دیوار های مساجد باز نگه دارند. این گروه امیدوار است که با حمایت متولیان یا حتی بدون آن، بتوانند روایتی از «نور در تاریکی» را برای آیندگان به یادگار بگذارد؛ روایتی که در آن، سیاهی سوختن، پایان کار نیست، بلکه آغاز آوازی است که ققنوس سر می دهد.



مدرک فارغ التحصیلی دانشجو خانم سارا سنجرى مقدم فرزند ابراهيم به شماره شناسنامه ۰۲۰۴۱۱۵۶۴ صادره از جیرفت در مقطع کاردانی در رشته مربی بهداشت مدارس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان با شماره تماس ۰۹۱۳۵۷۸۰۲۹۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک دانشگاهی را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت میدان دانشگاه ارسال نماید.

صدای نخبگان، نگاه جوانان

WWW.FDN.IR

روزنامه فرهیختگان

farhikhteganonline

FARHIKHTEGAN

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان در نظر دارد دستگاه های مازاد کارگاهی بلااستفاده خود را از شامل ۱-ابزار و وسایل دقیق اندازه گیری از قبل میکرومتر، کرولیس، گونیا و غیره ۲- دستگاه فرز عمودی به همراه میز گردان تقسیم کننده ساخت کشور چک مخصوص قالب سازی 25-FNK-۳- دستگاه تراش 13-TM۳ طول ۸۰ ساخت ماشین سازی تبریز ۴- دستگاه مانت مدل 13-DP ساخت شرکت BEHTAVAN ۵- دستگاه پولیشر رشته متالوژی ساخت شرکت متاپولیشر ۶- دستگاه انتقال تصویر فلکسی کم مدل ۱۰۰ IFC ساخت صابرایان ۷- دستگاه کوره برقی مخصوص عملیات حرارتی رشته متالوژی ساخت شرکت ATBW را از طریق مزایده عمومی به بالاترین مبلغ پیشنهادی به فروش برساند. مقتاضیان می توانند جهت بازدید از اموال به آدرس: کاشان بلوار قطب رواندی خیابان استادان دانشگاه آزاد اسلامی کاشان مراجعه و جهت دریافت اسناد مزایده و

کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی www.iaukashan.ac.ir مراجعه نمایند و حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ چاپ آگهی اسناد مربوطه را به صورت حضوری تحویل دبیر خانه دانشگاه یا از طریق پست پیشتاز به آدرس: کاشان بلوار قطب رواندی خیابان استادان کمپستی: ۸۷۱۵۹۹۸۱۵۱ ارسال نمایند. جهت شرکت در مزایده واریز مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد مزایده مربوطه واریز وجه معادل ۵ درصد از مبلغ ارزش اموال (مبلغ کارشناسی) بابت تضمین شرکت در مزایده به شماره حساب ۰۲۰۳۲۹۶۵۲/۰۱۷۷۰۲ بانک تجارت به نام دانشگاه آزاد اسلامی کاشان یا ارائه ضمانت نامه بانکی معادل آن با اعتبار ۲ ماهه الزامی است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می باشد و دانشگاه در رد یا قبول هریک یا تمامی پیشنهادها مختار است. تلفن سایر اطلاعات: داخلی ۰۹۱۳۲۶۱۳۸۴۹- ۰۳۱-۵۵۵۸۹۴۸۱-۷۴۳